

سو، تقسیم غنایم از همین حالا وپیش از پایان جنگ آغاز شده است. اسنادفاش شده در نشریه پلیتیکونشان می‌دهد آمریکا و اروپا یک برنامه ۱۰ساله به ارزش ۸هزار میلیارددلار برای بازسازی اوکراین تدوین کرده‌اند و اتحادیه اروپا به صراحت اعلام کرده قراردادهای بازسازی باید نصب شرکت‌های اروپایی شود که در کمک‌رسانی مشارکت داشته‌اند. نمونه‌های عملی این روند را می‌توان در حضور ۵۰ شرکت اسپانیایی در کی‌یف، امضای قراردادهای انرژی توسط شرکت‌های لهستانی و مهم‌تر از همه، توافق‌نامه معدنی آمریکا مشاهده کرد که بر اساس آن، ۵۰ درصد درآمد حاصل از معادن جدید اوکراین به صندوق سرمایه‌گذاری دوجانبه واریز می‌شود و دونالد ترامپ در هشتم جولای ۲۰۲۶ رسماً اعلام کرد آمریکا از این طریق سهمی از خاک اوکراین را به‌عنوان غرامت هزینه‌های جنگ خود تصاحب کرده است. همچنین قرارداد دفاعی اروپا به معنای تصاحب ظرفیت‌های فناوریانه اوکراین و انحصار بازار تسلیحات این کشور برای صنایع اروپایی است.

از سوی دیگر، نهایی‌سازی تقسیم غنایم هنوز میسر نشده‌و سه مانع بزرگ بر سر راه آن قرار دارد؛ نخست اینکه جنگ تمام‌نشده و تا وقتی روزانه صدها درگیری رخ می‌دهد، هیچ‌کس نمی‌تواند مرزهای سیاسی، اقتصادی و مالکیت را مشخص کند و این قراردادها بیشتر شبیه رزرو جایگاه هستند تا تسویه حساب نهایی. دوم اینکه بودجه‌های وعده داده شده هنوز به پول نقد تبدیل نشده‌و با توجه به اختلافات داخلی اروپا و ایالات متحده، ممکن است بخش بزرگی از آن‌ها منتفی شود یا کاهش یابد. سومین و شاید خطرناک‌تر ین مانع، احتمال تقابل مستقیم اتحادیه اروپا با روسیه است؛ زیرا ادغام صنایع دفاعی اوکراین در ساختار اروپاییک خط‌قرمز برای مسکومحسوب می‌شودومسکن است منجر به هدف‌گیری مستقیم تأسیسات نظامی مشترک و حتی گسترش دامنه جنگ به غرب اوکراین و کشورهای همسایه شود؛ به‌عبارت دیگر، غنایم هنوز بدست نیامده؛ اما هزینه‌های ریسک و درگیری به سرعت در حال اوج‌گیری است.

■**روند شروع شده، اما نتیجه معلق**

در نهایت، جمع‌بندی روشن این است که روند تقسیم غنایم آغاز شده؛ اما هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌است. آمریکا و اروپا در حالی که جنگ هنوز شعله‌ور است، مشغول اوراق‌سازی آینده اوکراین هستند و با وعده‌های امروز، کنترل بازارها، معادن، قراردادهای بازسازی و صنایع دفاعی این کشور را برای دهه‌های آینده تصاحب می‌کنند؛ اما سرنوشت نهایی این غنایم؛ از جمله خطوط مرزی، میزان بدهی‌های خارجی و سهم نهایی هر یک از قدرت‌های غربی، همچنان به نتیجه نبردروی زمین‌میز مذاکره وابسته‌است. سفر فون در لاین دقیقاً یکی از مهره‌های کلیدی این فرایند طولانی تقسیم منافع محسوب می‌شود؛ سفری که هم به اوکراین وعده حمایت داده و هم به سرمایه‌داران و صنایع اروپایی نوید انتفاع از سفره‌ای را می‌دهد که هنوز به طور کامل پهن نشده‌است.

سفر فون در لاین به کی‌یف که روز گذشته اتفاق افتاد، چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

آمادگی غرب برای تقسیم غنایم در اوکراین



فوری‌ترین هدف پنهان، آرام‌سازی روانی مقامات کی‌یف بود؛ زیرا از وام ۹۰۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا تا آن لحظه تنها ۳۱میلیارد و ۲۰۰میلیون یورو پرداخت شده‌و این سفر در واقع نمایشی سیاسی برای پوشش تأخیرهای مالی و حفظ روحیه اوکراین محسوب می‌شد. دومین هدف، اروپایی کردن تجربه جنگی اوکراین بود؛ اتحادیه اروپا قصد دارد تجربیات میدانی اوکراین در جنگ پهپادی و پدافند هوایی را جذب کرده و با استفاده از آن‌ها، وابستگی خود به تجهیزات و فناوری آمریکایی را کاهش دهد، چنان‌که فون در لاین به صراحت اعلام کرد اوکراین از یک خریدار صرف اسلحه به تأمین‌کننده امنیت اروپا تبدیل شده‌است. سومین هدف پنهان، جبران اختلافات شدید داخلی اتحادیه در قبال اوکراین بود؛ زیرا کشورهایی مانند یونان و مالت با تحریم‌های گاز روسیه مخالفند،

شده بود و فون در لاین خواستار افتتاح سریع خوشه دوم؛ یعنی بازار داخلی شد هرچند این بار رزنسکی بر خلاف سفر پیشین، بر ضرب‌الاجل ۲۰۲۷ برای عضویت اصرار نکرد. سومین هدف رسمی، کمک به اوکراین برای گذراندن زمستان پیش‌رو با بازسازی شبکه انرژی آن اعلام شد؛ اما تحلیلگران معتقدند اتحادیه اروپا ابزار مؤثر چندانی برای جلوگیری از حملات مستمر روسیه به زیرساخت‌های انرژی را در اختیار ندارد و این وعده بیشتر جنبه سیاسی و تبلیغاتی دارد تا جنبه عملیاتی.

■**پشت پرده سفر رئیس پارلمان اروپا به کی‌یف**

در پس‌زمینه این سفر، اهداف غیراعلامی فراوانی نهفته بود که چهار مورد از آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار دارند. نخستین و

■**اهداف اعلامی فون در لاین**

فون در لاین سه محور اصلی را برای این سفر تعریف کرده بود؛ نخستین و مهم‌ترین آن‌ها امضای قرارداد مشارکت صنایع دفاعی اتحادیه اروپا و اوکراین بود که تمرکز ویژه‌تری بر تولید مشترک پهپاد دارد با این ابتکار که پهپادها به جای اوکراین، در خاک اروپا تولید و نگهداری شوند تا از گزند حملات روسیه در امان بمانند. برای این منظور، ۱۰میلیارد یورو بودجه اختصاصی و ۱۰۰میلیارد یورو دیگر از بسته اقدام‌های امنیتی اروپا در نظر گرفته شده و هدف نهایی، رسیدن به تولید انبوه سامانه‌های ضد پهپادی تا پایان سال ۲۰۲۶ و تولید موشک‌های ضد رزمی‌لی تا سال ۲۰۲۸ است. دومین هدف، پیشبرد روند الحاق اوکراین به اتحادیه اروپا بود. یک‌روز پیش از این سفر، مذاکرات الحاق در خوشه ششم؛ یعنی روابط خارجی افتتاح

دریچه

گروه جهان| جنگ با ایران، ذخایر مهمات آمریکا را به سرعت کاهش

داد و بازسازی برخی بخش‌های زرادخانه سال‌ها طول خواهد کشید. خبر خوب این است که پنتاگون سرانجام خود را با شیوه نوین جنگ تطبیق می‌دهد. به گزارش واشنگتن‌پست، برای ده‌ها، برنامه‌ریزان نظامی آمریکا بر توسعه و نگهداری تعداد نسبتاً کمی از سامانه‌های تسلیحاتی نفیس متمرکز بودند. درس‌های جنگ اوکراین، همراه با چالش روزافزون چین، اکنون وزارت دفاع را به سمت پذیرش مهمات ارزان قیمت و قابل تولید انبوه سوق داده است -آنچه برنامه‌ریزان دفاعی «ترکیب بالا-پایین» می‌نامند- منطق ساده است: تعداد اهمیت دارد و آمریکا دیگر نمی‌تواند هزینه معاوضه رهگیرهای میلیون دلاری با پهپاد‌های هزار دلاری را بپردازد. گزارش شده در ۱۶ روز نخست جنگ با ایران از اوایل امسال

گزارش

نیک‌بندار| رئیس‌جمهور ایالات متحده روز گذشته در یک سخنرانی زنده تلویزیونی از کاخ سفید، مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی‌شده را رونمایی کرد و مدعی شد این مدارک نشان‌دهنده «نفوذ گسترده چین در زیرساخت‌های انتخاباتی آمریکا» است. همزمان وب‌سایت رسمی کاخ سفید بیش از ۲۷۰ صفحه از این اسناد را در دسترس عموم قرار داد؛ اما آیا آنچه ترامپ درباره این اسناد و نقش چین در انتخابات پیشین آمریکا گفته، خالی از نقاط مبهم است؟

■ **بررسی پنج باگ اساسی در اسناد جدید**

نکته نخست، عدم ارائه مدرک مستقیم برای ادعای اصلی است. با وجود ادعای بلندبالای ترامپ مبنی بر اینکه چین «۲۲۰ میلیون پرونده رأی‌دهندگان آمریکایی را به طور غیرقانونی بدست آورده»، خود اسناد هیچ گونه مدرکی دال بر استفاده از این اطلاعات برای تغییر آرا یا دستکاری سیستم‌های رأی‌گیری و ارائه‌تیم‌بایند. جالب‌تر اینکه جان سولومون، روزنامه‌نگاری که در تدوین این اسناد با کاخ سفید همکاری داشته، در مصاحبه‌ای پس از سخنرانی تأکید کرد جامعه اطلاعاتی آمریکا «هیچ مدرکی» مبنی بر تغییر «حتی یک رأی» توسط هیچ کشور خارجی در انتخابات ۲۰۲۰، ۲۰۲۲ یا ۲۰۲۴ ندارد.

نکته دوم، وجود تناقض درونی میان اسناد و ادعاهای رئیس‌جمهور است. برخی از فایل‌های منتشرشده به طور مستقیم با روایت ترامپ در تناقض هستند. برای نمونه، یک سند به صراحت اذعان می‌کند «دستکاری گسترده سیستم‌های شمارش آرا برای تأثیرگذاری بر نتیجه نهایی، بسیار دشوار است». سند دیگری از سازمان سیا، در عین اشاره به تلاش‌های جاسوسی چین برای گردآوری اطلاعات درباره تیم‌بایند، تصریح کرده پکن «در حال حاضر قصد مداخله پنهانی برای تغییر نتیجه انتخابات را ندارد». جالب‌تر اینکه یکی از اسناد تحلیلگر، اصلاً درباره ونزوئلاست، نه آمریکا.

نکته سوم، تکرار اطلاعات قبلی با لباس تازه است. بررسی‌های اولیه توسط سی‌ان‌ان و نیویورک تایمز نشان می‌دهد بخش اعظم این اسناد، اطلاعاتی تکراری از گزارش‌های سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ هستند

کاهش ذخایر تسلیحاتی و تقابل با ایران، سرانجام ایالات متحده را سر عقل آورد

تصمیم واشنگتن برای تولید ارزان سلاح

۳۰۰ هزار دلار همراه کند.

این تغییر پیش‌تر در قرارداده‌ها نیز نمایان شده است. در ماه می، پنتاگون با چهار شرکت؛ از جمله آندوریل و کوآسپایر قراردادهایی امضا کرد تا از سال ۲۰۲۷ بیش از ۱۰هزار موشک کروز کانتینری تحویل دهند. همچنین برنامه دارد حدود ۱۲هزار موشک فراصوت کم‌هزینه را از کستلیون؛ یک شرکت نوپا که در حال گسترش کارخانه‌های خود با سرمایه شخصی است، خریداری کند. بسیاری از این طرح‌ها به توانایی کنگره بستگی دارد و فرایند بودجه‌ریزی درگیر سیاست‌زدگی شده است. دولت ترامپ می‌خواهد با تصویب ۳۵۰ میلیارد دلار از طریق یک لایحه آشتی جنجالی، مجموع هزینه‌های دفاعی را به ۱٫۵ تریلیون دلار برساند. این لایحه از نظر ثنوری می‌تواند با رأی حزبی تصویب شود؛ اما برخی از

جمهوری خواهان مجلس اصرار می‌کنند آن را با تغییرات جنجالی در قوانین انتخاباتی پیوند بزنند. ماه گذشته سوزان کالینز، رئیس کمیته تخصیص بودجه سنا، اتکا به لایحه آشتی را «خطر بزرگی» خواند و گفت بهتر است بودجه دفاعی از طریق لایحه عادی تخصیص بودجه تأمین شود. سناتور با تجربه مین حرف درستی دارد. کاخ سفید بهتر است تلاش کند هزینه‌های دفاعی را از طریق فرایند عادی افزایش دهد. تخصیص ۱٫۵ تریلیون دلار برای دفاع -حدود ۴٫۶ درصد از تولید ناخالص داخلی- در این دوران ناپایدار، تصمیمی درست است. تثبیت این رقم باید یک اولویت باشد، نه تنها به این خاطر که تولیدکنندگان تسلیحات برای تحویل به موقع، به یک سیگنال تقاضای کاملاً مطمئن نیاز دارند.

روز گذشته رئیس‌جمهور آمریکا از انتشار اسنادی خبر داد که به ادعای او درباره نقش چین در انتخابات آمریکاست

ترامپ و پناه بردن دوباره به حربه تقلب در انتخابات

که قبلاًهم منتشر شده بودند. به عبارت دیگر، این مدارک «حفره‌هایی» را نشان می‌دهند که مسئولان انتخاباتی سال‌ها از آن‌ها مطلع بودند و بسیاری از آن‌ها نیز پیش تر رفع شدند. هیچ سند جدیدی مبنی بر «تغییر واقعی نتیجه انتخابات» در این بسته وجود ندارد. نکته چهارم، ابهام در ماهیت داده‌های رأی‌دهندگان است. ادعای «۲۲۰ میلیون پرونده» نیاز به واکاوی دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از این داده‌ها از هفت ایالت به صورت عمومی قابل دریافت بوده‌اند و بخشی دیگر نیز داده‌هایی هستند که به طور قانونی توسط احزاب، نامزدها و محققان قابل خریداری هستند. کاخ سفید در متن اسناد از عبارت «خریداری، سرقت یا نفوذ» استفاده کرده که نشانه عدم تفکیک روش‌های دسترسی به داده‌هاست. نکته پنجم، آمار غیرقطعی درباره رأی‌دهندگان غیرشهروند است. یکی از ادعاهای مطرح شده در اسناد، وجود دست‌کم ۲۵۰ هزار غیرشهروند در فهرست رأی‌دهندگان چهار ایالت است؛ اما منشأ این آمار، یک پایگاه داده تجاری با دقت پایین ذکر شده است. در مقابل، یک سیستم جامع‌تر که اطلاعات بیش از ۶۸ میلیون رأی‌دهنده را در ۲۵ ایالت بررسی کرده، تنها حدود ۲۸ هزار مورد نام‌نویسی غیرقانونی را یافته است. این اختلاف آماری نشان‌دهنده شکنندگی استدلال مبتنی بر این داده‌هاست.

■ **چرایی بازگشت ترامپ به رویکرد تقلب**

همزمان یک پرسش دیگر هم مطرح می‌شود؛ چرا ترامپ در این مرحله دوباره دارد مسئله انتخابات را مطرح می‌کند آن هم در شرایطی که خودش در قدرت است؟

عامل نخست، زمان‌بندی انتخاباتی است. این سخنرانی دقیقاً چهار ماه مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای برگزار شد؛ انتخاباتی که جمهوری خواهان در خطر از دست دادن کنترل یکی از دو مجلس کنگره هستند. در چنین شرایطی، بزرگ‌نمایی تهدید خارجی، یک راهبرد کلاسیک برای تغییر فضای رسانه‌ای و جذب رأی هواداران محسوب می‌شود.

عامل دوم، پیشبرد یک دستورکار قانونی مشخص است. ترامپ در این سخنرانی مستقیماً از

کنگره خواست لایحه «نجات قانون رأی‌دهندگان آمریکا» را تصویب کند که شامل الزام به ارائه کارت شناسایی عکس دار، اثبات شهروندی هنگام نام‌نویسی و محدودیت شدید رأی‌گیری پستی است. این لایحه بارها در مجلس نمایندگان (تحت کنترل جمهوری خواهان) تصویب؛ اما در سنا (با اکثریت دموکرات) مسدود شده است. بنابراین، این اقدام بیشتر یک فشار سیاسی بر دموکرات‌هاست تا یک افشاگری اطلاعاتی.

عامل سوم، تناقض آشکار با ارزیابی رسمی جامعه اطلاعاتی است. مهم‌ترین ضعف این روایت، تناقض آن با گزارش رسمی دفتر مدیر اطلاعات ملی (ODNI) است که در سال ۲۰۲۱ با «اطمینان بالا» اعلام کرد: «چین هیچ اقدام مداخله‌جویانه‌ای با هدف تغییر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انجام نداد». این گزارش در دوره مدیریت جان ترکلیف -که خود یکی از متحدان ترامپ است- تدوین شده بود.

عامل چهارم، تداوم یک روایت شخصی است. از شکست در انتخابات ۲۰۲۰ تاکنون، ترامپ بیش از ۱۰۰ بار ادعای تقلب گسترده را مطرح کرده، در حالی که بیش از ۶۰ دادگاه فدرال و ایالتی این ادعاها را رد کرده‌اند. تحلیلگران نیویورک تایمز معتقدند هدف اصلی این سخنرانی، بازتعریف روایت تاریخی است به گونه‌ای که هوادارانش همواره او را نه یک بازنده؛ بلکه قربانی یک «دستگاه فاسد» ببینند. در نهایت اینکه اسناد جدید اگرچه به برخی از آسیب‌پذیری‌های شناخته شده سیستم انتخاباتی آمریکا اشاره می‌کنند؛ اما از ارائه مدرکی مبنی بر تغییر واقعی نتایج آرا توسط چین یا هر کشور دیگری ناتوان‌اند. این اسناد بیش از آنکه حاوی اطلاعات تازه باشند، بازخوانی‌ای از داده‌های پیشین با هدف تحریک افکار عمومی و پیشبرد دستورکار قانونی مشخصی در آستانه انتخابات هستند. همچنین میان ادعاهای مطرح شده و گزارش رسمی جامعه اطلاعاتی آمریکا، شکاف عمیقی وجود دارد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در نهایت، آنچه در این ماجرا بیش از هر چیز به چشم می‌آید، کاربست یک موضوع امنیتی در بازی‌های سیاسی داخلی آمریکاست؛ آن هم در شرایطی که چین بارها گروه‌ونه دخالت در امور داخلی کشورها را رسماً تکذیب کرده و بر پایبندی به اصل عدم مداخله تأکید داشته است.